



قسمت چهارم



رابطه سن با ارتکاب جرم

انسان مراحل متعددی را از بدو تولد تا پایان زندگی و حیات خود می‌گذراند. خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: **اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً**؛ یعنی: (خداوند شما را از ضعف و ناتوانی آفرید و پس از آن به شما قوت و نیرو بخشید و پس از آن شما را دچار ضعف و پیری ساخت).

بدیهی است انسان در هر مرحله‌ای از مراحل زندگی تحت تأثیر عوامل خاصی قرار می‌گیرد و به کیفیت خاصی سلوک و رفتار

خود را تحت آن شرایط و عوامل پایه‌گذاری می‌کند و تغییراتی که از نظر تکوینی و جسمی و روحی به وجود می‌آید، تأثیر بسیاری در راه و روش و شخصیت و منش وی دارد و در نتیجه، در پدیده‌های مجرمانه اثر می‌گذارد. محققین و دانشمندان با آمارهای دقیقی که گرفته‌اند توانسته‌اند به این حقیقت آگاه شوند که سن، تأثیر فراوانی در ارتکاب بزه دارد. کسانی که سن و سال آنان کمتر و یا پیر شده‌اند کمتر مرتکب جرم می‌شوند و به‌هراندازه انسان قوی می‌شود و سن او رو به‌فزونی می‌گذارد بیشتر مرتکب جرم می‌شود. مثلاً در بعضی از

کشورها دیده شده است اطفالی که سن آنها بین هفت تا پانزده سالگی است، ۱/۲٪ مجموع بزهکاران را تشکیل می‌دهند و کسانی که سن آنان بین پانزده و بیست سالگی است، ۸٪ و بین بیست و سی سالگی، ۳۰/۵٪ و بین سی و چهل سالگی، ۲۴/۲٪ و بین چهل تا پنجاه سالگی، ۱۷/۳٪ و بین پنجاه و شصت سالگی، ۵/۷٪ و در سن بالاتر از شصت سالگی تا آخر عمر، ۲/۵٪ می‌باشد. بنابراین، انسان‌ها در حال قدرت و قوت، جرم بیشتری را مرتکب می‌شوند و در حال ضعف، چه درس کم و چه درس پیری، جرایم کمتری را مرتکب می‌شوند.

محققین و دانشمندان برای اینکه

توانند تأثیری را که سن در ارتکاب بزه دارد توضیح دهند، عمر انسان را به چهار مرحله تقسیم کرده‌اند:

- ۱- مرحله طفولیت (کودکی) (ولادت تا دوازده سالگی)
- ۲- مرحله مراقبه (دوازده تا هجده سالگی)
- ۳- مرحله نضج (پختگی) (هجده تا پنجاه سالگی)
- ۴- مرحله شیخوخت و پیری (پنجاه تا آخر عمر)

مرحله طفولیت و کودکی

مرحله طفولیت و کودکی، از زمان تولد تا زمان بلوغ می باشد و بلوغ غالباً در سن سیزده سالگی در پسران و دختران به وجود می آید. هرچند تجربه نشان داده است که دختران در سن پایین تر از سیزده سالگی نیز بالغ می شوند. لذا در قرآن مجید، حد طفولیت را تا زمان بلوغ قرار داده است؛ زیرا می فرماید: "واذا بلغ الاطفال منکم الحلم" زمانی که اطفال شما به سن احتلام و بلوغ برسند؛ و این مرحله از عمر مرحله بسیار حساس در تکوین شخصیت طفل می باشد و از آمارهای گرفته شده به دست می آید که جرایم در این مرحله بسیار ناچیز و اندک هستند و کودکان در این مرحله تحت تأثیر اولیا و سرپرستان خود قرار می گیرند و پایه و اساس مجرمیت آنان در همان دوران کودکی پی ریزی می شود؛ زیرا همان طوری که سخن گفتن را از اولیای خود یاد می گیرند، اعمال

و رفتار آنان را در برخورد با اشخاص و در زندگی روزمره خود نیز فرا می گیرند. اگر کودک در خانه ای بزرگ شود که در آن محبت نیست، آن کودک یک فرد عقده ای باریم آید و علاقه ای به زندگی در آن خانه با پدر و مادر ندارد و برای رفع چنین عقده ای از خانه خارج می گردد و با کسانی مرتبط می شود که بتواند ناراحتی های خانه را جبران کند؛ و مادران نقش بسیار تعیین کننده ای در تکوین کودکان و ساختاری آنان دارند.

یکی از دانشمندان می گوید: من درس شخصیت را از مادرم و در نگاههای او به من فرا گرفتم. اگر مادری که در اول کودکی که به کودک شیر می دهد و بیشتر اوقات کودک تحت نظر و مراقبت اوست، مادری مهربان و با شخصیت باشد، کودک وی کودکی با شخصیت خواهد بود؛ اما اگر مادری نامهربان و بی شخصیت بود، کودک وی فردی خشن و پرخاشگر و بد اخلاق خواهد بود و بر همین اساس، اسلام بسیار تأکید کرده که با زنانی از دواج کنند که با ایمان و با اخلاق و با عفت و با حیاء بوده تا بتوانند مادرانی مفید برای فرزندان خود بوده باشند.

از تجربه های دقیق به دست آمده که نوعاً اطفالی که مادران با اخلاق و با ایمانی دارند، فرزندان با ایمان و با اخلاقی از آنان به وجود آمده است. هرچند پدران آنان پدرانی بد اخلاق و بی ایمان باشند و همچنین عکس این موضوع صادق است؛ زیرا غالباً دیده شده است که از پدران با ایمان و مادرانی بی ایمان فرزندان بی ایمان به وجود می آید. در قرآن مجید، خداوند به داستان حضرت نوح (ع) و

لوط (ع) اشاره می فرماید که آنان با اینکه پیامبر بودند، از آنان فرزندان بی ایمان به وجود آمد؛ زیرا هر دو زن آنان همان طوری که در قرآن تعبیر شده است، زانی خائن بودند.

مرحله مراقبه و یانوجوانی

این مرحله از عمر که از آن به مرحله مراقبه یا حدائث سن و نوجوانی تعبیر می شود، از دوازده سالگی شروع می شود و با هجده سالگی پایان می یابد. در این مرحله از سن، تغییرات اندامی و نفسانی در انسان به وجود می آید و همچنین به طور گسترده ای تحت تأثیر محیط خارجی قرار می گیرد. از نظر اندامی و تغییرات داخلی به طور محسوسی تغییر می کند؛ زیرا او بزرگ می شود و از نظر داخلی غده های داخلی وی ترشح می کنند. ترشح غده نخامی که در زیر سر قرار گرفته افزایش می یابد و در سایر غده های داخل بدن تأثیر بسیاری می گذارد و ترشح غده درقی که تأثیر فراوانی در ایجاد تعدی و تجاوز در انسان دارد، افزایش می یابد و غریزه جنسی انسان را تقویت می کند، بدون اینکه بتواند آن را اشباع نماید. خصوصیت دیگری که در سن نوجوانی وجود دارد این است که نوجوان در خود احساس شخصیت می کند و می خواهد از فرمان پدر و مادر خارج گردد و قیودی را که آنان می خواهند بر او تحمیل کنند، نمی پذیرد و بلکه تخیل در وی مشتعل می شود و در اثر آن می خواهد کارهای سختی از قبیل جنگ و کشتی و مشت زنی و اظهار قهرمانی و قدرت در برابر دیگران انجام دهد و عواطف وی بر عقل او چیره می گردند، به طوری که نمی تواند نفس خود را در مقابل عواطف خود مهار سازد، حتی چه بسا اتفاق می افتد که در اثر چنین حالتی خود را در معرض هلاکت نیز قرار دهد. اما از نظر زندگی در محیط باید گفت که در نوجوانان، محیط بسیار تأثیری گذارد و علت آن، این است که نوجوان

بسیار در مرحله مراقبه و یانوجوانی تحت تأثیر عوامل خاصی قرار می گیرد و به کیفیت خاصی سلوک و رفتار خود را نسبت آن شرایط و عوامل پایه گذاری می کند و تغییراتی که در راه و روش و شخصیت و عواطف وی می آید، غالباً بسیار بی رویه و بی تدبیری می باشد و در نتیجه در

آرامش ندارد و ممکن است در همین مرحله مرتکب جرم شود. جرم‌شناسان می‌گویند، تأثیر محیط در دختران نوجوان به مراتب بیشتر از تأثیر آن در پسران نوجوان است.

تأثیر نوجوانی در ارتکاب جرم

در دوران نوجوانی، نوجوانان مرتکب جرایم مخصوصی می‌گردند که بیشترین آنها را تجاوز به اموال، آزارهای بدنی و تجاوز به اعراض دیگران تشکیل می‌دهد.

الف - جرایم تجاوز به اموال:

نوجوانان آرزوهای بسیاری دارند و می‌خواهند به آرزوهای خود برسند و از آنجایی که نوجوان دچار کمبود مالی است، سعی می‌کند این کمبود را به هر طریقی که شده است حتی از راه سرقت، جبران کند؛ زیرا سرقت آسان‌ترین راه برای جبران چنین نقصی است و برای رسیدن به این کار باید چنین جراتی را داشته باشد تا بتواند خود را در چنین کاری وارد سازد. اما سایر جرایم مالی از قبیل کلاهبرداری که کارسختی است، از نوجوانان کمتر دیده می‌شود؛ زیرا چنین جرمی نیاز به زرنگی خاصی دارد که از نوجوانان ساخته نیست. از آمارهای به دست آمده چنین نتیجه گرفته‌اند که نوجوانان دوازده ساله تا هجده ساله، نیمی از جرایم مالی را مرتکب می‌شوند و جرایم سرقت، ده برابر جرایم کلاهبرداری در آنان دیده می‌شود.

ب- جرایم مردم آزاری (آزار بدنی):

یکی از جرایمی که در نوجوانان بسیار دیده می‌شود، جرایم مردم آزاری است. این نوع از جرایم از آنجا پدید می‌آیند که نوجوان خود را از نظر جسمی نیرومند می‌یابد و از این نیرو سوءاستفاده می‌کند و به دیگران آزار می‌رساند تا از این راه بتواند شخصیت خود را آشکار سازد. اگر ببیند کسی نسبت به او اهانت کرده و یا سخنی گفته که در شأن او نیست، آرام نمی‌نشیند و درصدد انتقام جویی از او برمی‌آید. اما در سنین

بالاتر، کمتر چنین جرایمی دیده می‌شود؛ اما این به آن معنا نیست که چنین جرایمی در سنین بالاتر کم هستند، بلکه معنای آن، این است که با مقایسه با سن نوجوانی کمتر هستند، اما ممکن است فی نفسه زیاد باشند.

ج - جرایم تجاوز بر اعراض و نوامیس مردم:

گریزه جنسی در مرحله نوجوانی شعله‌ور می‌شود و برای سرکوب کردن و خاموش ساختن آن رو به سوی تجاوزهای جنسی می‌آورد و حتی از تجاوز به هم جنسان خود خودداری نمی‌کنند. بنابراین، بیشتر جرایم نوجوانان در دزدی، مردم آزاری و تجاوزات جنسی خلاصه می‌شوند و در سنین بالاتر، هرچند جرایم جنسی نیز تا سن پیری زیاد هستند، اما در عین حال در جوانان بیشتر است.

۳- مرحله نضج یا پختگی:

سومین مرحله از مراحل عمر، مرحله نضج و یا پختگی است که از هجده تا پنجاه سالگی امتداد می‌یابد. در این مرحله نیز در انسان تغییرات عضوی و نفسانی دیگری به وجود می‌آید، همان طوری که محیط نیز در وی اثر می‌گذارد. می‌توان این مرحله را به دو بخش تقسیم کرد:

الف - بخش جوانی: جوانی از سن

هجده سالگی تا بیست و پنج سالگی می‌باشد. در این مرحله پیچیده‌گی‌هایی که در سن نوجوانی وجود دارد پایان می‌پذیرند و انسان در مرحله خطرناکتری قرار می‌گیرد؛

زیرا بیشتر جرایم را انسان در خلال مرحله جوانی انجام می‌دهد. یک چهارم تا یک سوم جرایم در بین سن هجده سالگی تا بیست و پنج سالگی انجام می‌گیرد. از آمارهای گرفته شده در فرانسه، به دست آمده است که مرتکبین جنایاتی که در مرحله جوانی محکوم شده‌اند، ۳۱٪ می‌باشند؛ مرتکبین جنحه تا ۲۴٪ بوده‌اند. در ایتالیا و آلمان نیز مرتکبین جرایم تعداد آنان در این مرحله به همین نسبت بوده است.

نوع جرایم غالباً در این مرحله عبارتند از:

۱- سرقت‌های ساده، سرقت‌های با عنف و اکراه که از هجده سالگی تا بیست و پنج سالگی انجام می‌گیرند.

۲- جرایم تجاوز به عرض و ناموس.

این دسته از جرایم در زمان جوانی انجام می‌گیرند و از آمارهایی که در فرانسه به دست آمده است، ۴۷٪ از مجموع این جرایم به وسیله جوانان بوده است.

۳- جرایم تجاوز بر حیات و سلامتی جسم انسان؛

۱۶٪ جرایم قتل، ۲۵٪ جنایات منجر به فوت، ۲۳٪ جرایم ضرب و جرح بوده، که از هجده تا بیست و پنج سالگی انجام گرفته است.

۴- جرایم سقط جنین؛

جرایم سقط جنین بیشتر در مرحله جوانی انجام می‌گیرد، زیرا زنان بیشتر در

این مرحله از عمر آستن می‌شوند.

۵- جرایم غیر عمدی؛ جرایم غیر عمدی مانند قتل و تصادفهای غیر عمدی که در اثر سرعت غیرمجاز راننده صورت می‌گیرد، بیشتر در سن جوانی در اثر عدم رعایت مقررات رانندگی و به دلیل شتابزدگی که ویژه جوانان است، صورت می‌گیرد.

ب- مرحله نضج و پختگی حقیقی:

مرحله نضج و پختگی از بیست و پنج سالگی تا پنجاه سالگی می‌باشد.

در این مرحله، زندگی انسان مستقر می‌شود؛ نوع رفتار و سلوک خود و محل اقامت و انتخاب همسر را برای خود مشخص می‌سازد. در این مرحله، جرایم سرعت و خیانت در امانت در سن بیست و پنج تا سی و پنج سالگی بسیار وجود دارد. پس از آن، این جرایم رو به افول می‌گذارند و به جای آن، جرم کلاهبرداری پس از سن بیست و پنج سالگی افزایش می‌یابد. از آمارهای به‌دست آمده چنین نتیجه گرفته می‌شود که افرادی که سن آنان از سی و پنج سالگی بیشتر است، ۲۰٪ از مرتکبین جرم سرعت را تشکیل می‌دهند، ولیکن آنان ۵۰٪ مرتکب جرم کلاهبرداری می‌شوند.

جرایم تجاوز بر شرافت و اعتبار در سن بین چهل تا پنجاه سالگی از آنان در این مرحله دیده می‌شود و دلیل آن، این است که چنین افرادی که قدرت بدنی آنها رو به ضعف نهاده است نمی‌توانند جرایمی را که نیاز به قدرت

و قوت بدنی دارند انجام دهند و در نتیجه، جرایمی را مرتکب می‌شوند که به شرافت و اعتبار دیگران خدشه وارد می‌سازد. مثلاً از آنان غیبت می‌کنند و آنان را مورد قذف و شتم قرار می‌دهند.

مرحله شیخوخیت و پیری

این مرحله از عمر پس از سن پنجاه سالگی تا آخر عمر می‌باشد. این مرحله نیز مانند مراحل گذشته همراه با تغییرات بدنی و نفسانی می‌باشد و همراه با چنین تغییراتی نیز رفتار او با محیط اجتماعی تغییر می‌کند؛ زیرا بدن رو به فرسودگی می‌گذارد و غالباً دچار بیماری می‌گردد. گزینه جنسی فروکش می‌کند و تغییرات روحی در وی به وجود می‌آید؛ عواطف او رو به سردی می‌گراید و مشاعر او ضعیف می‌شود و همراه با این تغییرات داخلی، تغییرات محیطی خارجی برای او به وجود می‌آید. زیرا در چنین مرحله‌ای، از فعالیتهای اجتماعی او کاسته می‌شود و گاهی از اوقات به طور کلی فعالیتهای اجتماعی را رها می‌سازد و

رفتاری‌های دیگری برای او از قبیل تأمین معیشت در زندگی خانوادگی که فکر او را به خود مشغول می‌سازد، به وجود می‌آید؛ نزدیکان او ممکن است او را رها کنند و ترس از بیماری بر ناراحتیهای دیگر او اضافه می‌گردد و از مجتمع کنار می‌رود و همیشه در گذشته عمر خود به اندیشه فرو می‌رود.

رابطه پیری و جرم:

از آمارهای به‌دست آمده چنین نتیجه گرفته می‌شود که جرایم پیرمردان، کمترین جرایم مراحل مختلف زندگی به جز مرحله کودکی می‌باشد؛ و حتی جرایم آنان را ۴/۱٪ از کل جرایم مجرمین دانسته‌اند.

مهمترین جرایمی که در این مرحله از آنان سر می‌زند، جرایم جنسی در صورت قدرت و یا کسب اموال از طریق کلاهبرداری و مانند آن که نیاز به قدرت و قوت بدنی ندارد می‌باشند. در پیرزنان، جرایم جنسی بیشتر از پیرمردان دیده می‌شود و به‌ویژه در صورتی که شوهر نداشته و بستگان او وی را رها کرده باشند که معمولاً در سن چهل و پنج سالگی و پنجاه و پنج سالگی مرتکب چنین جرمی می‌شوند و همچنین اگر نیاز مبرم به تأمین زندگی داشته باشند و زندگی آنان بدون خودفروشی تأمین نشود.

ادامه دارد